

یافته های جدید محققان در تابستان نشان می دهد: موج گرمای جهانی موجب شده است دمای آب در دریای مدیترانه به بالاترین حد خود در تاریخ رسیده و این موضوع موجب بسروز نگرانی های جدی در رابطه با اکو سیستم این دریا شده است.

دولت اردن به طور رسمی اعلام کرد: دمای آب دریای مدیترانه در روز جمعه بسه رکورد جدید از گرما رسیده و روند نگران کننده و رو به رشد آن نشان دهنده جدی بودن بحران تغییرات آب و هوایی است. خبرگزاری رسمی اردن، پترا، با اشاره به گزارش های مختلف مراکز جهانی مانند صندوق جهانی طبیعت، گفت افزایش دمای آب دریای مدیترانه در روز جمعه بی سابقه بود.

در این گزارش آمده است: تغییرات آب و هوایی منجر به افزایش دمای هواد در مدیترانه شده است که به نوبه خود باعث افزایش دمای سطح آب و تبخیر می شود.

خبرگزاری پترا همچنین خاطر نشان کرد: آب از اقیانوس اطلس به اندازه گذشته بسه مدیترانه نمی رسد، جریان رودخانه ها نیز در حال کاهش است و در نتیجه آب دریا های مختلف جهان گرم تر و شورت می شوند. در این شرایط گروهی از دانشمندان هشدار دادند که جریان اقیانوس آبی اطلس ممکن است تا سال ۲۰۶۰ مختل شده و نتایج فاجعه برای برای دریای مدیترانه در پی داشته باشد.

گفتنی است گرم شدن سریع دریای مدیترانه باعث شده است که دمای اقیانوس ها در این منطقه به میزان بی سابقه ای در سال گذشته افزایش یابد. از نظر زیست محیطی، آب های جهان می توانند گرما را جذب کرده و آن را از طریق جریان های طبیعی توزیع کنند، در این میان روند گرمایش سیاره ای در طول ۲۰ سال گذشته منجر به گرم تر شدن دریاها شده است. در این شرایط حاد و جدی، دانشمندان چندین موج گرمای رکور دشکنی را در این منطقه از تابستان ۲۰۲۲ تا امروز دریایی کرده اند زیرا دریای مدیترانه از زمان شروع ثبت رکوردهای دمای ماهواره ای در بیش از ۴۰ سال پیش، سریعتر از میانگین جهانی گرم شده است.

در خاتمه گفتنی است گاوین اشمیت، مدیر GISS در رابطه با بحران پیش آمده در دریای مدیترانه گفت: از نظر علمی این واضح است که ما در شرایط طبیعی نیستیم و گرمایش هشداردهنده در سرتاسر جهان عمدتا ناشی از انتشار گازهای گلخانه ای تولید شده توسط فعالیت های انسان است. این افزایش متوسط دما باعث گرمای شدید و خطرناکی می شود که مردم در سراسر جهان تجربه می کنند.

مترجم: مهگل غفاری

سه بازارچه مرزی در آبادان، شادگان و هندیجان راه اندازی می شود

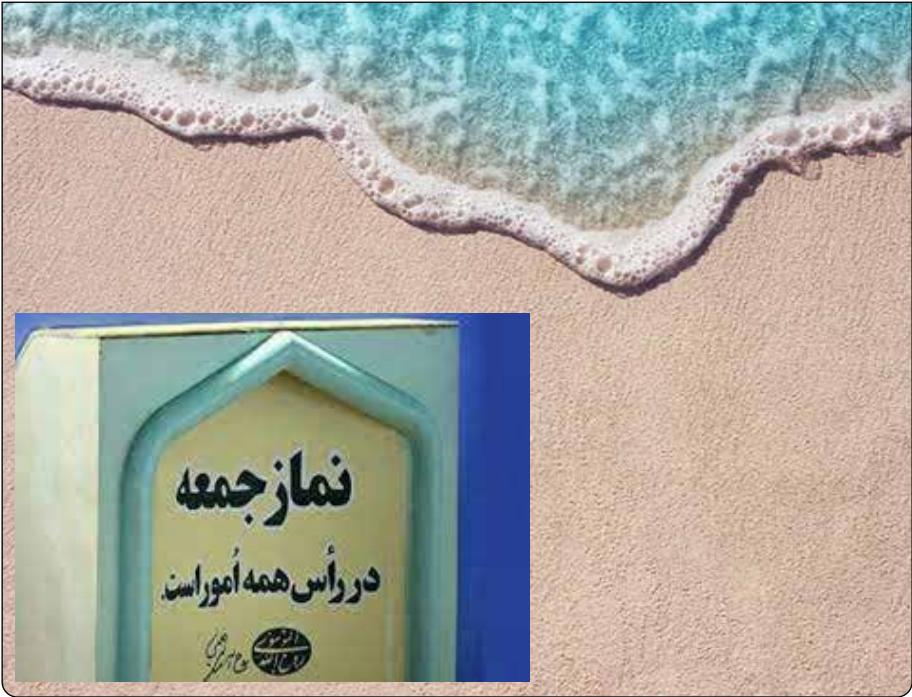
استاندار خوزستان گفت:سه بازارچه مرزی در مناطق آبادان، شادگان و هندیجان راه اندازی می شود.

به گزارش اقتصادسراسر، علی اکبر حسینی محراب به مانا افزود: پیگیری ها برای دریافت مجوز راه اندازی این بازارچه‌ها توسط نهاد ریاست جمهوری در حال انجام است.

وی هدف از راه‌اندازی این بازارچه‌های مرزی را رونق اقتصادی و تجاری در این شهرهای بندری بیان کرد و افزود: امکان صادرات و واردات کالا از این بازارچه‌ها وجود دارد. نماینده عالی دولت در خوزستان با اشاره به اینکه راه‌اندازی این بازارچه‌های مرزی سبب ایجاد اشتغال جوانان جویای کار نیز خواهد شد افزود: موقعیت ممتاز این شهرهای بندری و نزدیکی به کشورهای حوزه خلیج فارس یک فرصت طلایی برای رونق اقتصادی است.

حسینی محراب با بیان اینکه هنوز از ظرفیت‌های بندری شهرهای ساحلی خوزستان استفاده مؤثری نشده است افزود: مناطق ساحلی خوزستان باید به کانون‌های مهم اقتصادی استان تبدیل شوند.

وی گفت: خوشبختانه هم‌اکنون بازارچه مرزی بندر اروندکنار وجود دارد که از سال ۱۳۹۴ غیرفعال شده بود، اما از سال ۱۴۰۰ با پیگیری‌های انجام شده فعالیت خود را از سر گرفت و عمده محصولات صادراتی از این بازارچه ماهی و آبیزان است.استاندار خوزستان ابراز امیدواری کرد با راه اندازی بازارچه‌های جدید مرزی در مناطق ساحلی خوزستان، امکان جذب سرمایه گذاری‌های جدید فراهم شود.



نظر رهبری اختصاص می دادند- یا بدهند- موج بزرگی برای «توجه» ایجاد می شود. اما شوربخانه چنین نیست و برای تبیین امر «توجه به دریا» کسی به میدان نیامد و توپخانه تربیون‌ها آن دور دست‌ها را هدف گرفت و این نزدیکی‌ها را ندیدید.

نظر کارشناس و کارشناسی

در جایی از نوشتار ده‌بندی، عبادی‌زاده تزی صادر می‌شود مبنی بر این که توجه به توسعه دریایی، «نیازمند تغییر در جغرافیا نیست و با افزایش کارخانجات و ایجاد اشتغال، موج مهاجرت به سمت سواحل شکل می‌گیرد.» که البته ممکن است چنین باشد و ممکن است چنین نباشد. نکته اینجاست که نظر کارشناس با نظر کارشناسی، زمین تا آسمان فرق دارد.

نظر کارشناس، نظر یک شخص است و این نظر محترم است؛ اما لزوما معتبر نیست. نظر کارشناس (هر کسی که باشد) یک نظر شخصی محسوب می‌شود و بر اساس برداشت‌های شخصی اوست و قابل ارزیابی و آزمایش نیست. برای مثال، یک متخصص مدیریت توسعه، در باره توسعه سواحل ایران، نظری صادر می‌کند. این نظر، یک نظر کاملا شخصی است نه علمی. برداشت یک کارشناس توسعه از توسعه دریایی است که بر مبنای علم و داشته‌های فردی اوست و ارزش و اعتبار علمی ندارد. اما نظر کارشناسی در مقابل نظر کارشناس قرار می‌گیرد و این نظر هم محترم است و هم معتبر. نظر کارشناسی زمانی رخ می‌دهد که مساله مشخص بر مبنای روش تحقیق مشخص بنا نهاده شده باشد و «تحقیق کامل و مستند» در باره آن انجام شده باشد. نتیجه تحقیق هر چه باشد، می‌شود نظر کارشناسی.

به‌طور خلاصه، نظر کارشناس-هر کس با هر تخصصی که باشد- یک نظر فردی و شخصی است که محترم است اما لزوما معتبر نیست. اما نظر کارشناسی، نظری است بر مبنای روش تحقیق و نتیجه آن محترم و معتبر است. مهم‌ترین نکته دراین باره این است که نظر کارشناس را نمی‌توان مورد بازمینی و ارزیابی علمی قرار داد، اما نظر کارشناسی قابلیت بررسی علمی دارد؛ زیرا در چارچوب روش تحقیق مشخص و قابل آزمایش انجام شده است.

با این مقدمه این نتیجه منطقی به دست می‌آید: آن چه افراد می‌گویند-هر کس که باشند با هر تخصصی-نظر شخصی آن‌هاست و اعتبار علمی ندارد. می‌توان این نظر‌ها را شنید؛ اما نمی‌شود به آن‌ها استناد کرد. اما نظر کارشناسی، یک تحقیق منسجم و مرتب علمی است که بر اساس اصول و قواعد تحقیق و با روش تحقیق مشخص انجام شده است و قابل اعتنا است.

نتیجه این بحث این است: یکی از دلایل مهم بی‌توجهی به دریا و توسعه دریایی، انبوهی نظر‌های کارشناسان و نظر‌های شخصی است که راه به جایی نمی‌برد و ما را قانع نمی‌کند و به دنبال خود نمی‌کشاند و در عین حال، فقر عجیب و غریب نظر کارشناسی (تحقیقات علمی مبتنی بر روش تحقیق مشخص) دلیل اصلی بی‌توجهی به دریا و دیگر توسعه‌ها در جای جای کشورمان است.

چرا به دریا توجه کافی نشده است، «اقتصادسراسرآمد» منتشر می‌کند

نقدی بر ۱۰ بند انتقادی نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان

چرا در خطبه های نماز جمعه به موضوع اقتصاد دریا پایه پرداخته نمی شود

حذف ایده‌های راهبردی و کلان باشد.

ترس از تصمیم‌های ناشیانه دولتی‌ها

ترس از تصمیم‌های ناشیانه دولتی‌ها، نکته دیگری است که عبادی‌زاده به آن استناد می‌کند. اما باید قبول داشت که تصمیم‌های ناشیانه دولتی‌ها یک چیز است و ایده‌پردازی برای آینده چیز دیگر. با ترس از ترس نمی‌توان کاری کرد. نمی‌توان به دلیل ترس از تصمیم‌های ناشیانه دولتی‌ها، توسعه را بوسید و کنار گذاشت؛ اما می‌توان ترس از تصمیم‌ناشیانه دولتی‌ها را با حذف ناشی‌ها از میان برداشت.

نبود عزم و اراده قوای سه‌گانه

نبود عزم و اراده قوای سه‌گانه، استدلال دیگر عبادی‌زاده در بی‌توجهی به دریا و بی‌توجهی به اجرای منویات رهبر جمهوری اسلامی است. اگر ما این فرض را قبول کنیم، برای حاکمیت چه چیزی باقی می‌ماند؟ اگر بگویم عزم و اراده قوی در قوای سه‌گانه وجود ندارد، قوای چهارمی که باید این ضعف را پوشش دهد کدام است؟ اگر هست، خوب است «تبیین» کند تا کسی مانند من مات و مبهوت نماند. و حیرت‌زده نگوید وقتی قوای سه‌گانه حاکمیت عزم لازم ندارد، پس عزم لازم از کجا بیآوریم؟ آیا با ارز ترجیحی می‌شود از آن ور آب آورد؟

سوال دیگری که در ذهنم جولان می‌دهد این است: آقای عبادی‌زاده و سایرین! شما کدام قوای حاکمیت هستید؟ چرا خود به میدان نمی‌آید و سلیمانی ما در امنیت دریا و توسعه دریایپایه نمی‌شوید؟ شما کجای این قوای سه‌گانه هستید؟ موثرید یا خنثا؟ مسئولید یا مثل من فقط منتقد؟ شغل من ایجاب می‌کند که فقط تحلیل گر و منتقد باشم. شغل شما چطور؟ جان کلام این که وقتی قوای سه‌گانه عزم و اراده لازم ندارند- که ندارد- شما باید بفرمایید که چه باید کرد؟ وقتی حذف می‌کنیم و جای حذف، چیزی قرار نمی‌دهیم، کار خطرناکی کرده‌ایم.

نگاه محلی-نگاه ملی

عبادی‌زاده در یک نکته از نکات ده‌گانه خود، به درستی به یکی از دلایل مهم عدم توسعه دریایپا اشاره و تاکید می‌کند و این بار دقیق به هدف می‌زند. جمعی از مسئولان ذی‌ربط- به خصوص و به‌طور ویژه بهارستانی‌ها- نگاه محلی دارند نه نگاه ملی. توسعه نگاه ملی می‌خواهد و این‌ها نگاه محلی. بی‌تردید سخن درست همین است. نمایندگانی که نگاه بلندمدت‌شان از نظر زمانی چهار سال و از نظر مکانی تا حوزه انتخابی‌اش است و تمام آرامانش خلاصه می‌شود در انتخاب مجدد.

به‌طور دقیق و قطعی، با این روند هیچ موفقیت بزرگی در انتظار کشور ما نخواهد بود؛ مگر این که چنین ضعف بزرگی را رفع کنیم. آیا می‌توانیم؟

رهبر-سیاست‌گذار کلان

و سرانجام این سخن با نکته درست دیگری از عبادی‌زاده است که می‌گوید، سیاست‌گذاری‌های کلان کشور از سوی رهبرانجام می‌شود و این نکته دقیقی است. شان رهبری، تبیین راهبردهای و سیاست‌های کلان است و باقی باید در مسیر اجرا و تحقق اهداف آن حرکت کنند. این نیز چیزی است که در عمل با چالش روبروست. منویات محکم مانند بیانیه گام دوم انقلاب، راهبردهای معین مانند آن چه که در توجه به توسعه مکران مطرح فرمودند و سیاست‌های کلان که‌طور مکتوب و مشخص ابلاغ و منتشر می‌شود، همه چیز را در سطح عالی و کلان مشخص کرده است. اما بعد از آن همه چیز پراکنده و بی‌قواره است. جالب و تاسف‌بار است که برخی سازمان‌ها بی‌توجه به آن سیاست‌ها، مجدد برای خود تدوین راهبرد و سیاست می‌کنند! و شوربخانه همین را هم اجرا نمی‌کنند.

فقر تحقیق در توسعه دریایپا

گذشته از فقر مطلق منابع علمی در باره دریا، تحقیق دراین باره هم به شدت فقیر و ناچیز است. اغلب کتاب‌ها ترجمه کتاب‌های خارجی است که از نقطه نظر تطبیق، با وضعیت کشور ما دچار تعارض و تفاوت هستند. منابع داخلی نیز اغلب رونویسی از سایر کتاب‌ها- به‌خصوص همین ترجمه‌ها- هستند. شوربخانه، مرجع مشخصی هم برای این که مسیر تحقیقات توصیفی-اکتشافی را برای توسعه دریایپا به باز کند وجود ندارد. چشم همه به دانشکده‌ها و آموزشکده‌هایی است که خود آن‌ها دچار فقر منبع هستند. کتاب‌خانه‌ها را که بررسی کنید متوجه می‌شوید که کتاب روز در حوزه دریا به تعداد انگشتان دست نیست. در مورد پژوهش‌ها، وضعیت بدتر است. چند پژوهش کتابخانه‌ای یا میدانی در باره توسعه دریایپا به ایران در چند سال اخیر صورت گرفته است؟ تقریبا هیچ!

آیا نظر ندهیم؟

با این اوصاف، انسان منصف در خود فرو می‌رود که با این سطح از تولید دانش بومی در باره دریاهای ایران و مقوله توسعه دریایپا، آیا در این باره نظری ندهیم بهتر است یا نظر بدهیم؟ من خود به‌عنوان نگارنده این سطور، از جوابی که به خود می‌دهم مطمئن نیستم. وقتی بررسی می‌کنم که در سال اخیر چند کتاب در باره دریا و توسعه دریایپا به مطالعه کرده‌ام، به جواب قاطع به خود شک می‌کنم. چند مجله تخصصی در حوزه دریا مطالعه کرده‌ام؟ اصلا! این مجلات در این پهنه وجود دارند؟ به جز دو مجله که گاه و گداری مطالب قابل قبولی در باره دریا منتشر می‌کنند- دیگر کدام منبع وجود دارد که تولید دانش بومی باشد و بر واقعات کشور ما منطبق باشد؟

ضعف تولید دانش بومی در حوزه دریا به شدت فوران می‌کند. تقریبا تمام مطالب منتشره سخن این یا آن مسئول است که معلوم نیست چقدر تسلط علمی بر قضایا دارد. بخش اعظمی از خبرها، با قید «باید» همراه است که باید چنین کنیم و چنان کنیم. این چسان و چنین کنده‌ها هم خودشان ثابت نیستند و هر آن ممکن است از این صندلی ریاست به صندلی دیگری نقل مکان کنند. خلاصه این کسه، «توجه به منویات رهبر» قواعد خود را دارد. لازمه درک توجه به امر رهبر، شناخت. آگاهی. اطلاع و احساس مسئولیت است. در این راستا، «توجه به دریا» نیز مستلزم اطلاع و آگاهی و البته تحلیل موضوع با روش علمی است.

تنش‌های تغییر مرزهای جغرافیایی

در نکات ده‌گانه عبادی‌زاده، به احتمال تنش‌های اجتماعی در مقابله با تغییر مرزهای جغرافیایی اشاره شده و همین نکته را برای حذف ایده‌های تغییر مرزی استان‌ها کافی می‌داند! منطق چنین است: چون احتمال تنش وجود دارد،

پس از این ایده‌ها مطرح نکنید!

معلوم است که این یک احساس شخصی و یک برداشت سیاسی بر اساس وقایع گذشته است، نه یک دستاورد بر مبنای یک پژوهش علمی. نکته دیگر این که، بر اساس آن چه در دانش مدیریت در مباحث مرتبط با تغییر برای ما روشن است، هر تغییر مقاومت زاست و برای مقابله با آن، باید فرهنگ مناسب در طول زمان مناسب ایجاد شود. به عبارتی، هر مساله‌ای راه‌حلی دارد. اگر مساله پیش‌روی شما قرار گرفت، آن را پاک نکنید، بلکه به آن جواب بدهید. اگر پژوهشی علمی به ما بگوید که هر گونه تغییر در مرزهای استانی، جامعه را دچار فلان تنش خواهد کرد، باید پذیرفت راه دیگری در پیش گرفت. اما صرف وجود یک تنش در یک جای تاریخ به دلیل ضعف و سستی مدیران اجرایی در فرهنگ‌سازی لازم، نمی‌تواند دلیل

بدون شرح...

